

## سیاست‌های مذهبی پادشاهان ساسانی و انعکاس آن بر سنگ برجسته‌های تخت جمشید

### چکیده

مذهب در دوران ساسانی از آغاز این سلسله تا دوره‌ی انقراض آن، که بیش از چهارصد سال به طول انجامید، روند پُر فراز و نشیبی داشت. نقش اردشیر بابکان، پایه‌گذار سلسله ساسانیان در این میان نقشی برجسته است. او از راه تعامل با روحانیان زرتشتی، از آتشکده‌ها و کارگزاران آنها به عنوان ابزار سیاسی و عامل اساسی در تحکیم پایه‌های حکومت خود استفاده کرد. پس از مرگ اردشیر، جانشینان او نیز این روش را ادامه دادند. در دوره بهرام یکم (۲۷۱م)، کرتیر، موبد پرنفوذ زرتشتی توانست دین زرتشت را در کشور رسمی کند. هم‌چنین دیدگاه فره‌ایزدی شاهان که بر اساس آن مشروعیت پادشاهی توجیه می‌شد، به عنوان یک مفهوم قوی مذهبی اهمیت زیادی در نزد شاهان ساسانی و شخص اردشیر داشت. در این میان، نامه‌ی تنسر و کارهای کرتیر بیشترین نقش را در رسمی شدن آیین زرتشت در دوره‌ی ساسانیان ایفا کرد. تخت جمشید نیز به عنوان مرکز آیینی و نماد شکوه امپراطوری هخامنشیان به شمار می‌رفت که خیزش خاندان‌های ایرانی به ویژه ساسانیان در همین مکان شکل گرفت. بازتاب سیاست‌های مذهبی دوره‌ی ساسانیان در بخش‌هایی از تخت جمشید مانند کاخ تچر، نقش رستم، نقش رجب و کعبه‌ی زرتشت به صورت سنگ‌برجسته و سنگ نوشته به وضوح قابل دیدن است. روش استفاده شده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و پژوهشگر با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سیاست‌های مذهبی دوره‌ی ساسانیان و بازتاب آن در تخت جمشید پرداخته است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی فرایند رسمی شدن دین زرتشت در دوره ساسانیان
۲. بررسی بازتاب پیوند عوامل سیاسی و دینی در دوره‌ی ساسانیان در سنگ برجسته‌های تخت جمشید

### سوالات پژوهش:

۱. بسترها و زمینه‌های رسمی شدن دین در دوره ساسانیان و عوامل تأثیرگذار بر آن کدامند؟
۲. سیاست‌های مذهبی دوره‌ی ساسانیان چگونه در سنگ برجسته‌های تخت جمشید بازتاب پیدا کرده است؟

**واژگان کلیدی:** اردشیر بابکان، زرتشت، ساسانیان، فره‌ایزدی، تخت جمشید، سنگ برجسته

ایجاد نقش برجسته یا حجاری روی صخره یکی از سنت‌های ایرانی است که از قدمتی بسیار برخوردار است. پادشاهان وقت برای جادودان ساختن خواست‌ها و اندیشه‌های خود و هم‌چنین جهت بزرگداشت واقعه‌ای مهم یا نمایش صحنه‌ای نمادین از آن بهره برده‌اند. این یادمان‌های ارزنده‌ی تاریخی که اغلب در کنار جاده‌ها، معابر، چشمه یا رودخانه‌ها برپا می‌شدند، نه فقط اطلاعات گران‌بها در خصوص سبک‌های هنری آن زمان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، بلکه داده‌های ارزشمندی هستند که می‌توان به کمک آن‌ها حوادث تاریخی، اوضاع سیاسی، مذهبی و نظام‌های اجتماعی آن زمان را بازسازی کرد. نقش برجسته‌ها در پژوهش‌ها از اهمیت بسیاری برخوردارند و شناخت و تفسیر صحنه‌های نقش برجسته‌ها همواره از موضوعات مورد بحث و تحقیق بوده است. با روی کار آمدن شاهنشاهی ساسانیان ایجاد سنگ‌برجسته و سنگ‌نشسته رونق گرفت و ساسانیان توانستند هنر حجاری را به اوج شکوفایی خود برسانند. رویکرد شاهان ساسانی به نقش برجسته بیشتر به منظور بزرگداشت وقایع مهم سیاسی و مذهبی دوران حکومت خود از جمله تاج‌گذاری و پیروزی در جنگ بوده است. این حجاری‌ها به تجلیل از پیروزی‌های پادشاهان ساسانی بر دشمنانشان می‌پردازد، تأیید پادشاهی آنان را از سوی خدایان ایرانی نمایش دهد و غرور و عظمت دودمانی جدید و نیرومند را باز میتابد (رضایی نیا، ۱۳۸۷: ۳۵).

خاندان ساسانی که با رویای تجدید شکوه و عظمت دوره هخامنشی حکومت نیرومندی را در تاریخ ایران باستان پدید آوردند، تحقق این آرمان را در پرتو یکپارچگی سیاسی و دین رسمی پیگیری نمودند. اگر چه اردشیر بابکان پایه‌گذار حکومت ساسانی پس از پیروزی بر آخرین شاهنشاه اشکانی و ملوک‌الطوایف، ایرانشهر را یک‌پارچه ساخت، اما تثبیت نظام تازه تنها در سایه سازمان اداری و سیاسی متمرکز و رسمیت دین ملی امکان‌پذیر بود. از این‌رو، دین در نظام ساسانی از کارکردهای مهمی در عرصه‌های گوناگون حیات جامعه ایرانی برخوردار شد. با وجود این، آئین زرتشت به عنوان دین ملی که ساسانیان در پیوند با آن تکاپوهای سیاسی خود را آغاز نمودند، در ابتدای کار ساسانیان از ظرفیت‌های لازم برای رسمیت یافتن برخوردار نبود. فقدان متن واحد دینی و پراکندگی پایگاه‌های آئین زرتشت که از پیامدهای حمله اسکندر مقدونی و دوران ملوک‌الطوایف معرفی می‌شد، مهم‌ترین موانع رسمی شدن آئین زرتشت بود. بنابراین، پادشاهان نخست ساسانی با حمایت روحانیت زرتشتی تکاپوی مهمی را در این راه آغاز کردند و در فرآیندی پرفراز و فرود، آئین زرتشت را در ایران رسمیت بخشیدند (الهیاری، ۱۳۸۶: ۷۶-۵۹).

شواهد و مستندنگاری‌های صخره‌ای نشان می‌دهد؛ ارتباط مذهب و سیاست در دوران پادشاهی ارتباطی هم‌سو و پیوسته بوده است. آنچه تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش‌های دیگر است، توجه به ارتباط مذهب، سیاست و هنر ساسانی به‌ویژه در منطقه نقش رجب که تحقیقات گسترده بر آن کمتر انجام شده است. در پژوهش فوق با مطالعه موردی بر چند سنگ‌نگاره ساسانی در نزدیک تخت جمشید به نام نقش رجب، سعی شده است با تحلیل مناسبات سیاسی و مذهبی پادشاهان و روحانی زرتشتیان در آن دوران به توصیف آثار و بیان انعکاس‌های مذهبی بر صخره‌ها تاکید کرد. با توجه به روایت‌گری صخره نگاره‌های ساسانیان در منطقه فارس. هدف و بینش سیاسی و مذهبی پادشاهان که سعی در اتحاد میان دین و سیاست داشته‌اند، مشهود بوده و برای تحقق و حقانیت پادشاهی‌اشان همواره با موبدان زرتشتی همراه بوده‌اند. شاهان و روحانیان خود را مروج و مبلغ دین زرتشت می‌دانستند. این سیاست آن‌ها تأسیس بنیادها، نمادها و تشکیلات روحانیت زرتشتی را در مناطق مختلف ایران به همراه داشت. سازمان و تشکیلات منظم اداری دستگاه روحانیت ساسانی، تابعی از رویدادهای سیاسی، دینی و اجتماعی این پادشاهی بود. این تشکیلات و ساز و کار آن مبتنی بر الگوی قدرت پادشاهی بود و به موازات آن شکل می‌گرفت و رشد میکرد. از این‌رو گزارشات مستند و تاریخی ساسانیان بر سنگ برجسته‌ها مدرکی بر اتحاد ملی و دینی و نیز مشروعیت پادشاه ساسانی از سوی اهورامزده، به عنوان نماینده خداوند است .

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که با هدف تبیین رابطه‌ی دین و حکومت و تفکر حاکمیت دینی پادشاهان ساسانی و تجلی آن در سنگ نگاره‌های این دوران سامان یافته است نشان میدهد که استفاده از هنر سنگ‌نگاری برای نمایش لحظه‌های درخشان و حساس زندگی پادشاهان ساسانی، علاوه بر بیان مفاهیم و ارزش‌های زیبایی شناسانه و درجه‌ی اعتلای آن، نمودار تاریخ، فرهنگ، آرمان‌ها، باورها، مذهب و نظام سیاسی است که به بهترین شکل در هنر حجاری سنگ انعکاس و جاودانه شده است. رابطه‌ی هنر و مذهب در ایران همیشه از مسائل مهم تاریخ فرهنگ بوده است. مذهب را نیروی الهام دهنده‌ی هنر می‌شناسند و هنر را خادم ضروری مذهب. تاریخ هنر ایران همبستگی هنر و مذهب را اثبات میکند.

ساسانیان پس از نشستن بر تخت سلطنت، دین زرتشتی را آیین رسمی ایران قرار دادند و اساس سیاست داخلی آن‌ها هماهنگی و وحدت دین و دولت بود. از این رو پیوند نظام دین و دولت همواره یکی از مؤلفه‌های بنیادین فرهنگ سیاسی در ایران بوده است. در بسیاری از نقوش برجسته‌ی ساسانی، پادشاهان در حال گرفتن فره ایزدی از اهورامزدا هستند. پیوند نظام سلطنت با دیانت زرتشتی در آغاز شکل‌گیری قدرت ساسانیان در امر وحدت بخشی جامعه ایرانی و آگاهی اجتماعی و تاریخی در تشخیص بهتر هویت ایرانی مؤثر افتاد و به هویت ایرانی انسجام بخشید.

در جهان بینی ایرانی در دوره‌ی ساسانی، شاه نماینده خدا بر روی زمین و مورد تأیید و حمایت الهی است و وظیفه‌ی عمده‌ی او به عنوان نماد دولت و حاکمیت، دین گسترده‌تری است. وظایف متقابل دین و دولت نیز افزایش قدرت یکدیگر و امری است که مورد توجه روحانیون زرتشتی و شاه بوده است. دین و دولت به منزله‌ی دو برادر بودند که باید حامی و پشتیبان هم بوده و بقا و رشد یکدیگر را ضمانت نمایند. هدف از خلق نقش برجسته‌ها، مقاصد تاریخی، آیینی و تبلیغی بوده است. گروهی از نقش برجسته‌ها با هدف ثبت و جاودان کردن رویدادها و نشان دادن شکوه پادشاهی و گروهی دیگر با هدف تبلیغ قدرت سیاسی و مذهبی نگاشته شده‌اند. مضمون و مقصود نقش برجسته‌های مورد مطالعه، نشان دادن سلطنت الهی پادشاه که به تحکیم ارکان سلطنت و بیان عظمت و مشروعیت آن منتهی می‌شد و نقش برجسته‌های با موضوع مذهبی نظیر اعطای قدرت و نیایش بیشترین سهم نقوش را به خود اختصاص داده‌اند.

## منابع

ایمانپور، ۱۳۶۹، نقش روحانیون زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی و دیانت زرتشتی، فصلنامه مطالعات تاریخی. ش ۲، صص ۲۱۷-۲۱۳.

الهیاری، فریدون، فرایند رسمی شدن آئین زرتشت در آغاز حکومت ساسانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، ۱۳۸۶، صص ۷۶-۵۹.

بویس، مری، ۱۳۸۱، زرتشتیان؛ باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسگر بهرامی، انتشارات ققنوس، تهران.

بیانی، شیرین، ۱۳۸۰، دین و دولت در عهد ساسانی، انتشارات جامی، تهران.

پورداوود، ابراهیم، ۱۳۷۷، یشت‌ها، جلد اول، انتشارات اساطیر، تهران.

پیگولوسکایا، ن.و، ۱۳۷۲، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

دادور، ابوالقاسم، غربی، عادل، ۱۳۹۱، مطالعه تطبیقی نقوش برجسته ی هخامنشی و ساسانی در ایران، انتشارات پشتون، تهران.

دریایی، تورج، ۱۳۸۱، سقوط ساسانیان (فاتحین خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان)، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک لو، نشر تاریخ ایران، تهران.

دوستخواه، جلیل، ۱۳۶۲، اوستانامه مینوی آئین زرتشت، انتشارات مروارید، تهران.

رضایی نیا، عباس، ۱۳۸۷، بازتاب هنر، سیاست و مذهب ایرانی در نقوش برجسته ی صخره ای دوران اشکانی و ساسانی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۴.

زنده آر، سی، ۱۳۷۴، زروان یا معمای زرتشتی گری، مترجم تیمور قادری، انتشارات فکر روز، تهران.

زنده آر، سی، ۱۳۷۵، طلوع و غروب زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری، انتشارات فکر روز، تهران.

شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانگیری، انتشارات فکر روز، تهران.

صالحی، کوروش، ۱۳۸۸، نقش روحانیون زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانی، مجله پژوهش های تاریخی اسلام و جهان، شماره ۵، صص ۱۴۸-۱۱۹.

صنیع اجلال، مریم، ۱۳۸۴، درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی، نشر تمدن ایرانی، تهران.

عباسی، علی، سایبانی، علیرضا، ۱۳۹۶، اندیشه حکومت دینی و روابط دین و دولت در ذهن و زبان ایرانیان، ماهنامه ی پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۶، صص ۱۴۵-۱۳۵.

فرای، ریچارد، ۱۳۸۱، تاریخ سیاسی ایران در دوره ی ساسانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

هدایت، صادق، ۱۳۸۴، زند و هومن یسن (و کارنامه اردشیر بابکان)، شرکت گهبد.

هینتس، والتر، ۱۳۸۵، یافته های تازه از ایران باستان، ترجمه پرویز رجبی، انتشارات ققنوس، تهران.

یارشاطر، احسان، ۱۳۷۳، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران.

خسروی، ایمان، موسوی حاجی، رسول، ۱۳۹۸، کشف یک حقیقت مهم تاریخی: حور تنسر در نقش برجسته های اردشیر بابکان، مطالعات باستان شناختی سال سوم شماره ۸، صص ۷۳-۸۹